



ضيافت خلیل

ضيافت خلیل | شماره دوم | سال دوم | محرم ۱۴۴۳ هـ | شهریور ۱۴۰۰ هـ
مدیریت برنامه و محصولات فرهنگی حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت

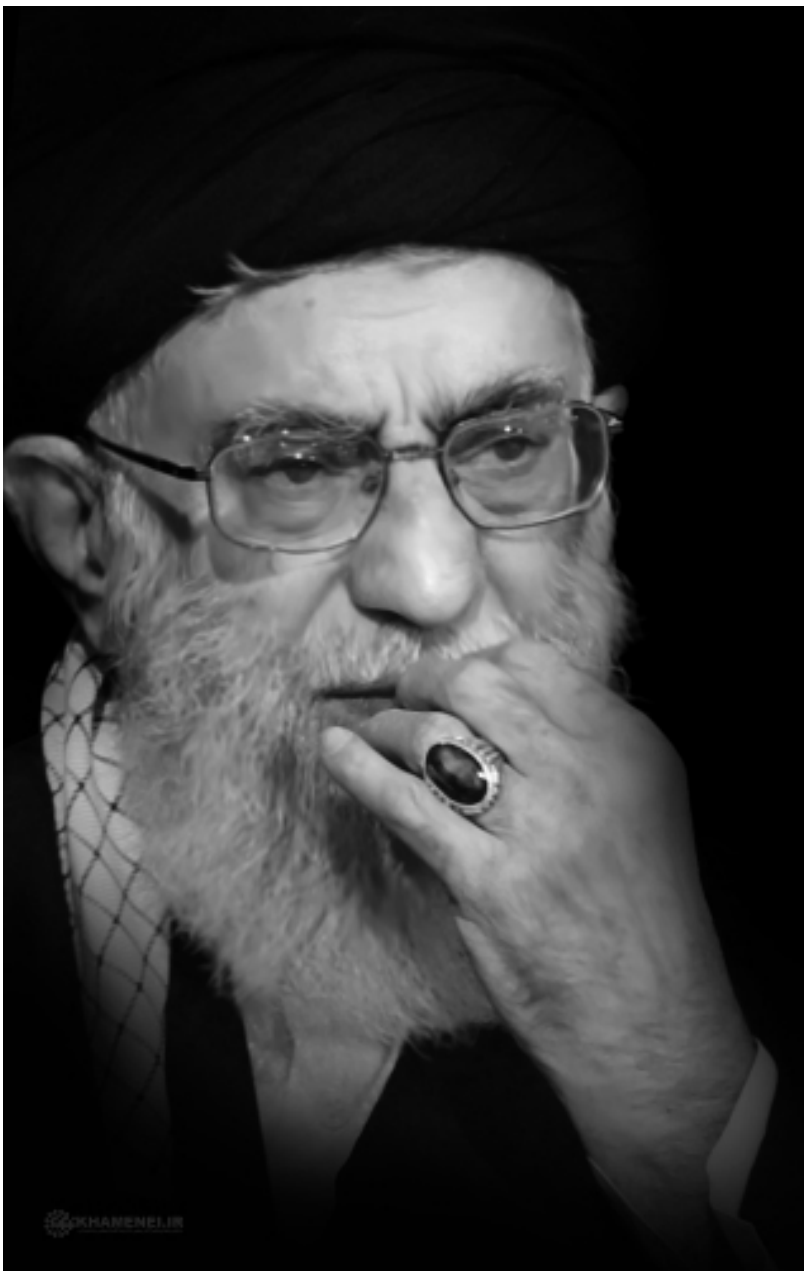
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ الْمَوْطَفِ وَسَلِّ عَلَى الْأَعْلَى الْأَمْرِ وَالنَّصِيِّ صَلِّ عَلَى هَذِهِ الْأُمَمِ وَالْأُمَمِ
الْحَسَنِ صَلِّ عَلَى الْأَمَامِ الْحَسَنِ صَلِّ عَلَى الْأَمَامِ الْعَبْدِ صَلِّ عَلَى
الْأَمَامِ الْبَاصِلِ صَلِّ عَلَى الْأَمَامِ الْبَاصِلِ صَلِّ عَلَى الْأَمَامِ الْبَاصِلِ صَلِّ عَلَى الْأَمَامِ
عَلَيْهِ صَلِّ عَلَى الْأَمَامِ الْبَاصِلِ صَلِّ عَلَى الْأَمَامِ الْبَاصِلِ صَلِّ عَلَى الْأَمَامِ
الْعَسَدِ صَلِّ عَلَى الْأَمَامِ الْبَاصِلِ صَلِّ عَلَى الْأَمَامِ الْبَاصِلِ صَلِّ عَلَى الْأَمَامِ

صلوات چهارده معصوم، خط ثلث، برگرفته شده از کتیبه محراب مسجد جامع یزد، از وبگاه کانون هنر شیعی

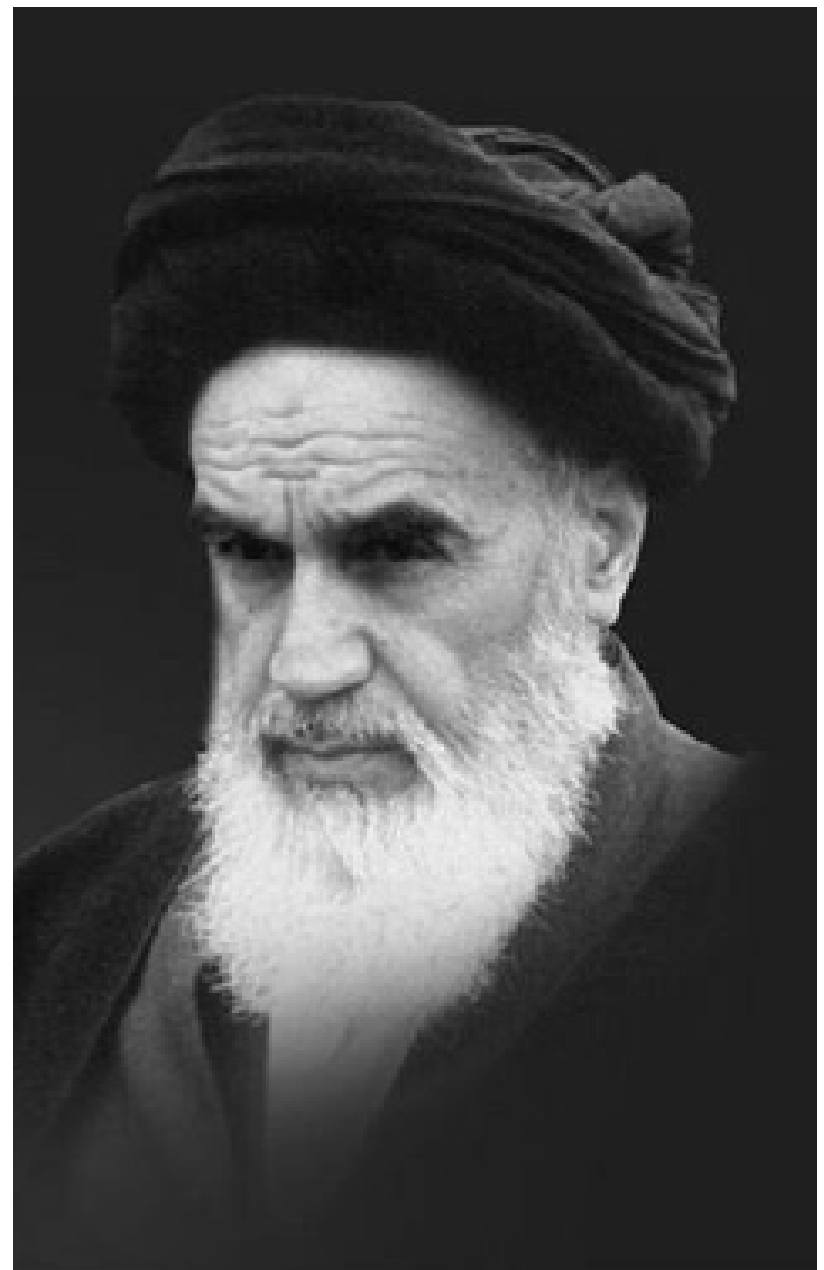


عکسها از شبکه مجازی العتبة الحسينية المقدسة



محرم فقط دهه‌ی عاشورا نیست؛ یک حادثه عظیم در ایام محرم در تاریخ اتفاق افتاده که این حادثه تمام‌شدنی نیست. نه به معنای اینکه نظایر آن و اشباه آن استمرار پیدا می‌کند - آن به جای خود محفوظ، که بحث دیگری است - اما خود این حادثه مثل خورشیدی است که غروب ندارد. یک وقت حادثه عظیمی اتفاق می‌افتد، امروز اتفاق می‌افتد و فردا از بین می‌رود؛ [مثل] این حادثه نیست. این حادثه مثل خورشید بی‌غروبی است که همواره بوده تا امروز، بعد از این هم خواهد بود. یک تصویر و ترسیم جاندار و باحقیقتی است از مبارزه نور و ظلمت، جنگ حق و باطل، جنگ شرافت با لئامت و دنائت؛ البته اوجش روز عاشورا بود لکن مقّمات آن روزهای اوایل محرم، قبل از عاشورا فراهم شد، بعد از عاشورا - مثل یک چنین روزهایی - حادثه عاشورا با رهبری زینب کبرا و امام سجاد علیه السلام تکمیل شد.

بیانات در دیدار نخبگان علمی جوان، ۲۸ مهر ۱۳۹۵



سیدالشهداء و اصحاب او و اهل بیت او آموختند تکلیف را، فداکاری در میدان، تبلیغ در خارج میدان. همان مقداری که فداکاری حضرت ارزش پیش خدای تبارک و تعالی دارد و در پیشبرد نهضت حسین علیه السلام کمک کرده است، خطبه‌های حضرت سجاد و حضرت زینب هم به همان مقدار یا قریب آن مقدار تأثیر داشته است. آن‌ها به ما فهماندند که در مقابل جائز، در مقابل حکومت جور، نباید زن‌ها بترسند و نباید مردها بترسند. در مقابل یزید، حضرت زینب علیه السلام ایستاد و آن را همچو تحقیر کرد که بنی امیه در عمرشان همچو تحقیری نشنیده بودند، و صحبت‌هایی که در بین راه و در کوفه و در شام و اینها کردند و منبری که حضرت سجاد علیه السلام رفت و واضح کرد به اینکه قضیه، قضیه مقابله غیر حق با حق نیست؛ یعنی، ما را بد معرفی کرده‌اند؛ سیدالشهداء را می‌خواستند معرفی کنند که یک آدمی است که در مقابل حکومت وقت، خلیفه رسول الله ایستاده است. حضرت سجاد این مطلب را در حضور جمع فاش کرد و حضرت زینب هم. (صحیفه امام؛ ج ۱۷، ص ۵۴)



فهرست

- آخرین حضور امام حسین علیه السلام در مکه مکرمه و انجام عمره..... ۴
- فرازهایی از خطبه امام حسین علیه السلام در منا..... ۵
- چشم‌پوشی از خطا..... ۶
- تفسیر و شواهد قرآنی مسئله حج در اندیشه مقام معظم رهبری حفظه الله..... ۷
- آشنایی با مسجد قبلتین..... ۸
- معرفی کتاب..... ۹

آخرین حضور امام حسین علیه السلام در مکه مکرمه و انجام عمره

حجت الاسلام والمسلمین دکتر حمید احمدی، رئیس کمیته فرهنگی آموزشی ستاد مرکزی اربعین

امام حسین علیه السلام که در سال ۴۹ هجری بعد از شهادت امام مجتبی علیه السلام امامت شیعیان را عهده دار شدند. در عهد معاویه بر صلح امام مجتبی با معاویه متعهد ماندند و اگرچه به برخی اعمال و رفتار ظالمانه معاویه نسبت به پیروان و محبان حضرت امیر علیه السلام اعتراض کردند، اما همه درخواست‌ها به قیام علیه معاویه را رد کردند. معاویه برخلاف تعهدی که در صلح با امام مجتبی علیه السلام داده بود، یزید فرزند فاسق خود را با حيله و تزویر به عنوان جانشین خود تعیین کرد. امام حسین علیه السلام در مقابل این ظلم و حاکمیت فردی فاسق و بی اعتقاد ایستاد که با فشار حکومت مواجه و ناگزیر همراه خانواده مدینه را ترک و به مکه سفر کردند و در این شهر از سوم ماه شعبان تا هشتم ذی الحجه اقامت گزید. هنگامی که امام در مکه در معرض بازداشت و ترور مأموران اموی قرار گرفت تصمیم گرفت مکه را به سمت عراق ترک کند. چنانچه ابومخنف می نویسد: «حسین خانه خدا را طواف کرد و سعی بین صفا و مروه را انجام داد و مویش را کوتاه کرد و از احرام عمره خارج شد.»

مرحوم شیخ مفید رحمته الله می گوید: وقتی امام حسین علیه السلام خواست به سوی عراق روانه شود، طواف کعبه کرد و سعی بین صفا و مروه را انجام داد و از احرامش خارج شد و آن را عمره قرار داد، چون قادر به انجام حج کامل نبود. زیرا می ترسید دستگیر و به نزد یزید فرستاده شود. لذا عمره به جا آورد و همراه اعضای خاندان، فرزندان و شیعیان که به او پیوسته بودند از مکه خارج شد.^۱

امام حسین علیه السلام در معرض تهدید سخت قرار داشت و نقشه کشتن و ترور

فرمودند: «حسین بن علی علیه السلام روز ترویبه به جانب عراق رفت در حالی که به عمره مفرده محرم شده بود»^۲

در روایت دیگری امام صادق علیه السلام در پاسخ به سوال یکی از اصحاب در فرق بین عمره تمتع و عمره مفرده فرمودند: «عمره تمتع با حج مرتبط است، اما کسی که عمره مفرده را انجام می دهد هنگامی که آن را به پایان می رساند، می تواند به هر جا که بخواهد برود چنانچه حسین بن علی علیه السلام در ذی حجه عمره مفرده به جای آورد و سپس در روز ترویبه به سمت عراق رفت در حالی که مردم به سوی منا می رفتند و کسی که نمی خواهد حج به جای آورد جایز است که در ماه ذی حجه عمره مفرده انجام دهد»^۳

از روایت اول استفاده می شود که امام هنگام ورود به مکه (سوم شعبان) محرم به احرام عمره مفرده بود و همان زمان عمره را انجام داده است. اما از روایت دوم استفاده می شود که حضرت پیش از خروج از مکه روزهای اول ذی حجه عمره مفرده انجام داده است و جمع این دو روایت یعنی انجام دو عمره ظرف چهارماه اقامت امام علیه السلام در مکه می باشد.

شواهد دیگری هم وجود دارد که امام حسین علیه السلام برای حج تمتع محرم نشده بود چون برای احرام به عمره تمتع حضرت باید به یکی از میقات های تعیین شده می رفتند که در هیچ متن تاریخی و متون روایی این امر گزارش نشده است.^۶

مسأله دیگر اینکه در فقه حج ثابت شده است که اگر کسی پس از احرام

۱. طبری، تاریخ الامم و الملوك، ج ۵ ص ۲۸۳. الارشاد، ج ۲ ص ۴۷
۲. یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۱ ص ۲۴۸-۲۴۹.
۳. ر. ک. مقتل جامع سیدالشهداء ج ۱ ص ۶۲۰-۶۲۱.
۴. کلینی، فروع کافی ج ۴ ص ۵۳۵ و شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۵ ص ۴۸۱.
۵. کلینی فروع کافی، ج ۴ ص ۵۳۵؛ شیخ حرعاملی وسائل الشیعه ج ۱۰ ص ۲۴۹ باب ۷ ج ۳.
۶. ر. ک. مقتل جامع سیدالشهداء ۶۲۳
۷. سیدبن طاووس، الملهوف علی قتلی الطفوف، ص ۱۲۶؛ علی بن عیسی اربلی، و کشف الغمه فی معرفه الائمه.

فرازهایی از خطبه امام حسین علیه السلام در منا

در شماره گذشته، به معرفی خطبه امام حسین (علیه السلام) در سرزمین منا پرداخته شد، در این شماره، فرازهایی از آن خطبه مرور می شود

* أليس كُلّ ذلك إنّما نلتموه بما يرجى عندكم من القيام بحقّ الله و إن كنتم عن أكثره تقتصرون فاستخففتكم بحقّ الأئمة، فأما حقّ الضّعفاء فضيعتُمْ، و أما حقّكم بزعمكم فطلبتُمْ فلا مالاً بذلتُم، و لانفساً خاطرتُمْ بها للذي خلقها، و لا عشيرة عاد يتموها في ذاتِ الله. آیا شما به این احترامات و قدرت های معنوی از این جهت نایل نگشته اید که به شما امید می رود تا به اقامه حق خدا کمر ببندید؟ اگرچه در مورد اکثر حقوق الهی کوتاهی کرده اید! و بنابراین حق ائمه خود را نیز خوار شمرده و خفیف کرده اید و بنابراین حق افراد ناتوان جامعه را ضایع کرده اید، اما در همان حال به دنبال آنچه حق خویش می پندارید برخاسته اید پس نه مالی خرج کرده اید و نه جانی را در راه آن خدایی که آن را عنایت کرده به خطر انداخته اید و نه با قبیله و گروهی به خاطر خدا در افتاده اید.

* و قد ترونّ عهدَ الله منقوضَةً فلا تفرّعون و أنتم لبعض ذمّ آبائكم تفرّعون و ذمّة رسول الله مخفورة محفورة و العمی و البکم و الزّمنی فی المدائن مهملة لا تُرحون و لا فی منزلیکم تعملون، و لا من عمل فیها تُعینون و بالادّهان و المصانعة عند الظلمة تأمنون، کُلّ ذلك ممّا أمرکم الله به من النّهی و التّناهی و أنتم عنه غافلون.

و نیز به چشم خود می بینید تعهدات الهی (قراردادهای اجتماعی که نظامات و مناسبات جامعه اسلامی را می سازد) نقض و گسسته شده و زیر پا نهاده شده است؛ اما شما نگران نمی شوید و فریاد بر نمی آورید، در حالی که به خاطر پاره ای از تعهدات پدرانتان، آشفته می شوید و اینک تعهداتی که در برابر پیامبر (صلی الله علیه و آله) انجام گرفته (یعنی مناسبات اسلامی که از طریق بیعت با پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) تعهد شده همچنین تعهد اطاعت و پیروی از جانشینش علی و اولادش که در «غدیر خم» در برابر پیامبر (صلی الله علیه و آله) انجام گرفته) مورد بی اعتنایی است. می بینید که نابینایان، اشخاص کر و لال، و افراد ناتوان و زمین گیران در همه شهرها بی سرپرست مانده اند و بر آن ها ترجم نمی شود. نه خودتان مطابق شأنتان عمل می کنید و نه به کسی که بدین سان عمل کند و در ارتقای شأن شما بکوشد مدد می رسانید. با چرب زبانی و چاپلوسی و سازش با ستمکاران، خود را در برابر قدرت ستمکاران حاکم ایمن می گردانید. تمام اینها دستورهای خداوند است که شما یا خودتان از آن نهی شده اید و نباید انجام دهید و یا اینکه دیگران را باید از آن نهی کنید و از آنها کاملاً غافل هستید.

* سلّطهم علی ذلك فرارکم من الموت و إعجابکم بالحیة الّتی هی مفارقتکم فأسلّتم الضّعفاء فی آیدیههم؛ فمن بین مُستعبدٍ مقهورٍ و بین مستضعف علی

معیشته مغلوب، يتقلّبون فی الملک بأرائهم، و يستشعرون الحزّي بأهوائهم اقتداءً بالأشرار و جرأةً علی الجبار. علت تسلط آنان بر حکومت، فرار شما از کشته شدن بود و دلبستگی تان به زندگی گریزان دنیا و شما با این روحیه و رویه، توده ناتوان را به چنگال این ستمگران سپردید تا یکی برده وار سرکوفته باشد و دیگری بیچاره وار و ناتوان از تأمین آب و نان، و حکام، خودسرانه و با افکار و آرای خود در سلطنت غوطه خورند و با هوسبازی خویش، ننگ و رسوایی به بار آورند؛ چراکه پیرو اشرار و در برابر خدا گستاخ هستند.

* فیا عجباً! و مالی لأعجب و الأرض من غاش غشومٍ و متصدّق ظلومٍ، و عامل علی المؤمنین بهم غیر رحیم، فالله الحاکم فیما فیہ تنازعنا، و القاضی بحکمہ فیما شجر بیننا. شگفتا! و چرا شگفت زده نباشم! درحالی که جامعه در تصرف مردی است که خودش (معاویه) دغل باز ستمکار است و مأمور مالیاتش ستمگر و استاندارش نسبت به اهالی و مؤمنان نامهربان و بی رحم است. فقط خداست که در مورد آنچه درباره اش به کشمکش برخاسته ایم حکومت و داوری خواهد نمود و درباره مشاجره بین ما با رأی خویش حکم قاطع خواهد کرد.

* اللهم إنک تعلم أنّه لم یکن ما کان منّا تنافساً فی سلطانٍ، ولا التماساً من فضول الحطام، ولكن لثری المعالِم من

دینک، و نُظهِر الإصلاح فی بلادک، و یأمن المظلّمون من عبادک، و یعمل بفرائضک و سننک و أحكامک، فإنّکم إن لا تنصرون و تنصفونا قویت الظلمة علیکم، و عملوا فی إطفاء نور نبیکم، و حسبنا الله و علیه توکلنا و إلیه أنبنا و إلیه المصیر.

بارخدايا! بی شک تو می دانی آنچه از ما سرزده (یعنی مبارزه بر ضد دستگاه حاکمه اموی) نه رقابت در به دست آوردن قدرت سیاسی است و نه جستجوی ثروت بی ارزش دنیا، بلکه برای آن است تا علامت ها و ارزش های درخشان دین تو را بنماییم و در کشورت اصلاحات پدید آوریم و بندگان ستمزدهات را ایمن و برخوردار از حقوق مسلمشان گردانیم، و نیز تا به وظایفی که مقرر داشته ای و به فرهنگ و احکامات عمل شود. بنابراین شما علمای دین و خواص جامعه اگر ما را یاری نکنید و منصفانه در گرفتن داد ما با ما هم صدا نگردید، ستمگران در مقابل شما قدرت پیدا خواهند کرد و در خاموش کردن مشعل فروزان پیغمبرتان گستاخ خواهند شد. بر خدای یگانه ما را کفایت است. بر او تکیه کردیم و به سوی او روی آوردیم و سرنوشت ما به دست او و بازگشت ما به سوی اوست.

چهلچهار

چشم پوشی از خطا



در آیه ۲۸۶ سوره بقره، پس از بیان دو اصل اساسی «تکلیف به مقدار قدرت است» و «هر کسی مسئول اعمال خویش است»، از زبان مؤمنان هفت درخواست از درگاه پروردگار را مطرح می‌کند. اولین درخواست مؤمنان را چنین بیان کرده است: «پروردگارا، اگر ما فراموش نمودیم یا خطا کردیم ما را مؤاخذه مکن».

مؤمنان بعد از آن که در مقام اجابت دعوت خداوند بدون هیچ قیدی گفتند: ﴿سَمِعْنَا وَاطَعْنَا﴾، سپس از يك سو متوجه ضعف خود شدند و از سوی دیگر متوجه سرنوشت امت‌هایی شدند که قبل از ایشان می‌زیستند، از خداوند خواستند تا به ایشان رحم کند و با ایشان آن معامله را نکند، یعنی آن مؤاخذه‌ها و تحمیل‌ها را نفرماید، چون مؤمنان با تعلیم الهی این معنا را آموخته بودند که هیچ چیز جز رحمت او آدمی را از خطا و نسیان و تمرد حفظ نمی‌کند.

مفسران در ذیل این جمله گفته‌اند که فراموشی دو نوع است: اول اینکه انسان هیچ اختیاری در به وجود آمدن آن ندارد، مانند کسی که بیمار شده و بر اثر بیماری، دچار فراموشی می‌گردد. بی‌شک این نوع فراموشی، مجازاتی ندارد. دوم، فراموشی‌ای که ممکن است مجازات داشته باشد که مقدمه آن، بی‌توجهی و غفلت انسان است؛ این آیه به مؤمنان می‌آموزد که از خدا بخواهند آن‌ها را به سبب این نوع خطا و فراموشکاری مؤاخذه نکند.^۱ طبق آیه ۱۴ سوره سجده ﴿فَذُوقُوا بِمَا نَسِيتُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا﴾، فراموشکاری‌هایی که زاییده سهل‌انگاری است قابل مجازات است.

تفاوت «نسیان» و «خطا» در این است که «خطا» معمولاً به کارهایی گفته می‌شود که از روی غفلت و عدم توجه از انسان سر می‌زند،

ولی «نسیان» در جایی است که انسان با توجه دنبال کار می‌رود، ولی مشخصات حادثه را فراموش کرده باشد.^۲

از این آیه روشن می‌شود که این درخواست رسول خدا ﷺ و مؤمنان، هر چند تقاضای بخشش از اموری است که بیرون از توان انسان است، اما از باب تکلیف، درخواست در مورد اموری نیست که در وسع آدمی نباشد، چون منظور عذاب‌هایی است که ممکن است خداوند در برابر تمرد و نافرمانی بر آنان تحمیل کند.

شاید گفته شود خطا و نسیان، تمرد نیست، چون از اختیار آدمی خارج است، در پاسخ گفته می‌شود، مقدمات خطا و نسیان اختیاری است و ممکن است با جلوگیری از مقدمات آن و یا مراقبت نسبت به آن، از پیش‌آمدها جلوگیری شود؛ پس خطا و نسیان در این نگاه،

امری اختیاری است، مخصوصاً در مواردی که ابتلای آدمی به آنها به خاطر سوء اختیارش باشد. در نتیجه، مجازات فراموش‌کار بر خلاف حکمت نیست تا انجام آن از خداوند قبیح باشد، زیرا مقدمات آن را خود انسان، با اختیار خود انجام داده است، پس در نسبت دادن آن به خدا هیچ محذوری ندارد.

اگر سؤال شود با اینکه رسول خدا ﷺ معصوم است، پس چطور درخواست مصونیت از خطا و نسیان می‌کند؟ باید گفت آن حضرت به عنایت الهی معصوم است، پس صحیح است که از خدا مصونیتی درخواست کند که از ناحیه خود ضمانتی نسبت به آن ندارد و خود را در این درخواست، هم‌آواز مؤمنین سازد.^۳

۱. اطیب البیان، ج ۳، ص ۹۰.

۲. تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۴۰۳.

۳. ترجمه تفسیر المیزان، ج ۲، ص ۶۸۵ و ۶۸۶.



آشنایی با مسجد قبلتین



عکس از کمال الدین شاهرخ

برگرفته از کتاب «گلوآزه های حج و عمره»، تألیف علی بصیری صفحه ۵۲۵-۵۲۷

به جای آورده اند.
بازسازی و توسعه

با کمال تأسف در سال های اخیر دولت سعودی محرابی را که به سمت بیت المقدس قرار داشت از بین برده و اثری از آن وجود ندارد و محل محراب، تبدیل به یکی از درهای ورودی شده است، وقتی علت این اقدام را از مأمورین مربوطه در مسجد مذکور سؤال نمودیم، اظهار داشتند به سبب اینکه بسیاری از افراد این محراب را مسح می نموده و تبرک می جستند!!

کوتاه سخن این که مسأله تغییر قبله در ۱۵ شعبان سال دوم هجرت و به قول دیگر ۱۵ رجب آن سال روی داد. نکته مهم در تغییر قبله، افزون بر طعنه یهودیان، این بود که تاریخ قدمت کعبه، بسیار پیش از بیت المقدس بود. و آیه شریفه «**إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا**»^۱ که حکایت این قدمت را داشت، نشان می داد که کعبه پیش از بیت المقدس سزاوار قبله بودن است.^۲

آگاهی یافت، گفت: من خانه ام را نمی فروشم و آن را هدیه می کنم تا شما در محل آن مسجد بسازید. بدین سان مردم قبیله بنی سلمه، مسجد قبلتین را بنا کردند. پس از گذشت قرن ها از این رویداد تاریخی و تجدید بنای مکرر، هم اکنون مسجد قبلتین، با دو گنبد و دو مناره بسیار زیبا چشمان بینندگان را به خود خیره می کند و خاطره عطرا گین صدراسلام را در ذهن بازدیدکنندگان زنده می سازد.

۲. برخی گفته اند که پیامبر ﷺ روز تحویل قبله به دیدار براء بن معرور درکوی بنی سلمه مدینه رفته بود، پس از صرف نهار، هنگام ظهر شد و حضرت درمسجد آن محله به ادای فریضه ظهر پرداخت، در رکعت دوم جبرئیل فرود آمد و دستور تحویل قبله از بیت المقدس به مسجد الحرام را آورد. و چون بیت المقدس شمال مدینه و مسجد الحرام سمت جنوب آن بود، پیامبر به عکس آن که روی بدان داشت روی آورد، و صف عقب جماعت صف پیشین شد.^۳ برخی نیز اعتقاد دارند حکم تغییر قبله مابین نماز ظهر و عصر ابلاغ گردیده، لذا نماز ظهر را به سمت بیت المقدس و نماز عصر را به سمت کعبه

هنگامی که رسول الله ﷺ و همراهانش در خانه «ام بشر» مشغول خواندن نماز عصر بودند، جبرئیل علیه السلام برایشان نازل شد و خبر تغییر قبله را برای آن حضرت آورد: «**قَدْ نَرَى تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ فَلَنُوَلِّيَنَّكَ قِبْلَةً تَرْضَاهَا فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ**»^۴

«نگریستن تو را به اطراف آسمان مشاهده می کنیم، تو را به جانب قبله ای که می پسندی می گردانیم، پس روی به سوی مسجدالحرام کن.» پیامبر ﷺ بی درنگ روی به سمت جنوب برگرداند و نمازگزاران نیز که تعدادی اندک بودند، دور زدند تا هم چنان پشت سر آن حضرت قرار گیرند. خبر این رویداد مهم در سراسر مدینه و اطراف آن، به سرعت پخش شد و مسلمانان از آن پس به طرف قبله جدید- مسجدالحرام- نماز گذاردند بی تردید این رویداد تاریخی قبیله «بنی سلمه» یک افتخار تلقی شد، لذا، تعدادی از مردان این قبیله تصمیم گرفتند تا خانه «ام بشر» را از وی بخرند و به پاس بزرگداشت این رویداد مهم مسجدی به نام مسجد قبلتین بنا کنند. «ام بشر» وقتی از تصمیم آنان



HAJJIR

Photo:K.Shahrokh

پیامبر خدا ﷺ از زمان بعثت، به مدت پانزده سال (سیزده سال در مکه مکرمه و حدود دو سال در مدینه منوره) به سوی بیت المقدس نماز می گذاردند. یهودیان مدینه و اطراف آن به پیامبر و مسلمانان طعنه می زدند و می گفتند: دین شما دین کاملی نیست، زیرا از خودتان قبله مستقلی ندارید و به سوی قبله ما نماز می خوانید!

پیامبر ﷺ از گفته آنان آزرده خاطر شد و همواره منتظر امر و دستور الهی بود تا به گونه ای از طعنه های یهودیان رهایی یابد و اسلام، این دین ابدی و جاودان از یک قبله مستقل برخوردار شود.

این واقعه به سه صورت بیان شده است:

۱. پانزدهم ماه شعبان سال دوم هجرت، پایان انتظار چندین ساله بود،

۱. سوره بقره، آیه ۱۴۳ ضمناً آیات ۱۴۲ تا ۱۵۰ سوره بقره در ارتباط باموضوع

تغییر قبله میباشد.

۲. دائرة المعارف فارسی مصاحب، ج ۲، ص ۳۰۱۳.

۳. سوره آل عمران، آیه ۹۶

۴. آثار اسلامی مکه و مدینه، ص ۳۰۴ و ۳۰۵

معرفی کتاب

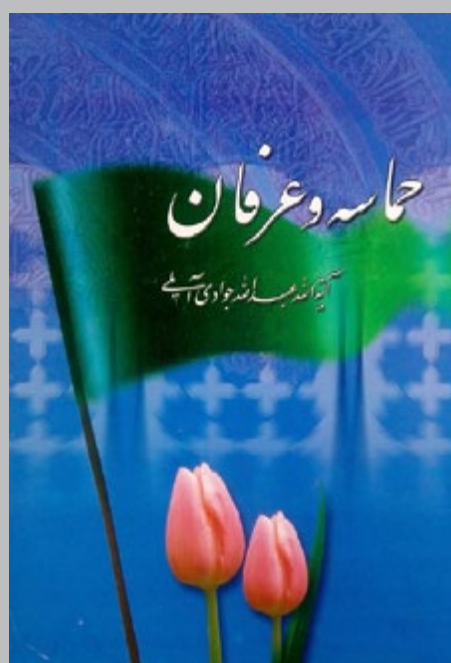


آیات قرآنی در کلام و نهضت حسینی

حمید مروجی طبسی

این کتاب به شرح و توضیح آیاتی می‌پردازد که حضرت سیدالشهداء علیه السلام از مدینه تا شام در مکتوبات و سخنرانی‌ها، مورد استفاده قرار داده‌اند.

کتاب در ۱۵۲ صفحه در چهار فصل تدوین شده و موضوع اصلی آن آیاتی است که امام حسین علیه السلام از مدینه تا شام آن‌ها را یا تلاوت کرده‌اند و یا در مکاتباتشان مورد استناد قرار داده‌اند. هر يك از آیات استفاده شده در این کتاب در سه بخش ارایه شده است: متن آیه و ترجمه و شأن تلاوت و بخش تفسیر که خلاصه شده از چهار تفسیر المیزان، تسنیم، نمونه و نور می‌باشد



حماسه و عرفان

آیت الله جوادی آملی

موضوع کتاب درباره عرفان، حماسه و ارتباط بین این دو مقوله است. اصل مطالب کتاب، برگرفته از سخنرانی‌های آیت الله جوادی آملی است که در محرم سال ۱۴۱۱ ق (۱۳۶۸ ش) انجام شده است. این عالم بزرگوار در مقدمه کتاب نگاشته‌اند:

«نقش حماسه و تأثیر ستم ستیزی در تعالی روح بشر، زمینه اشتیاق عارفان ناب را به شهادت فراهم کرده و مجاهد کوی حق را با عرفان اصیل آشنا می‌سازد و این، همان هماهنگی حماسه و عرفان است.»

و در جای دیگر مقدمه چنین آورده‌اند: جهاد حقیقی بدون عرفان ناب نخواهد بود؛ چنانکه عرفان خالص بدون ایشار مال و جاه و نثار جان حاصل نخواهد شد. در وصف مجاهدان راستین، نشانه‌های عرفان مشهور است و در رسم عارفان واقعی، علامت‌های مجاهدت مشهود.

پرتوی از عظمت امام حسین علیه السلام

آیت الله العظمی صافی گلپایگانی

این کتاب به قلم آیت الله العظمی صافی گلپایگانی در ۴۸۳ صفحه نگاشته شده است. کتاب، متضمن مطالبی از فضایل حضرت سیدالشهداء علیه السلام و تاریخ اسلام در آن زمان و نیز پاره‌ای از علل و نتایج واقعه کربلاست که به صورت تحقیقی و تحلیلی به رشته تحریر درآمده است. از ویژگی‌های مهم کتاب، قلم ساده آن است که علی‌رغم انتقال مطالب علمی و تحلیلی، مخاطب را از هر طبقه فکری و سطح سواد که برخوردار باشد، با اندک مایه علمی، بهره‌مند می‌سازد. استفاده فراوان از منابع عامه و اهل سنت و نیز پاسخ به برخی از مهم‌ترین شبهات درباره قیام امام حسین علیه السلام نیز از دیگر ویژگی‌های این کتاب است. کتاب در چهار بخش سامان یافته است: شخصیت و فضایل حسین علیه السلام، بنی هاشم و بنی امیه، علل قیام حسین علیه السلام و نتایج و فواید قیام حضرت ابی عبدالله الحسین علیه السلام.

